خبر

برنامه های هفته تعاون در گلستان

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، برنامه های هفته تعاون را در استان اعلام کرد و گفت:همایش اقتصادمقاومتی، تولیدواشتغال و برگزاری نمایشگاه مشاغل خانگی و توانمندی های بانوان به این مناسبت برگزار می شود. سعید مازندرانی در گفت و گو با ایرنا افزود: برنامه های هفته تعاون از ۱۱تا ۱۷ شهریور در نقاط مختلف استان برگزار خواهد شد. به گفته وی؛ در نخستین روز که تعاون و توسعه منطقه ای و روستایی نامگذاری شده، برگزاری مسابقه پیامکی و دیدار مدیران تعاونی های هر شهرستان ها با فرمانداران، رقابت های ورزشی درون دستگاهی ومسابقه نقاشی ویژه کودکان و نوجوانان برنامه ریزی شده است. وی ادامه داد: دومین روز به عنوان تعاون و اشتغال بانوان بوده که نمایشگاه مشاغل خانگی وتوانمندی های بانوان،همایش باعنوان اقتصادمقاومتی،تولیدو اشتغال،بازدید ترویجی کارآموزان فنی و حرفه ای و روسای ادارات از تعاونی های برتر پیش بینی شده است. مازندرانی گفت: روز سوم با عنوان تعاون، اقتصاد مقاومتی – تولید و اشتغال بوده و نمایشگاه تولیدات شرکت های تعاونی صنایع دستی و همایش تعاون روستا در این روز برگزار می شود. مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان با اعلام روز چهارم به عنوان تعاون، گسترش مشاغل خرد و خانگی، افزود: برگزاری جشنواره تعاونی های برتر، دیدار تعاونگران، اتحادیه ها، مجمع نمایندگان و دبیر اتاق تعاون با استاندار گلستان نیز در این روز برنامه ریزی شده است. وی تصریح کرد: پنجمین روز از این هفته تعاون، توسعه کارآفرینی و اشتغال نامگذاری شده که افتتاح متمرکز طرح های تعاون استان، برگزاری همایش تعاون توسعه کارآفرینی و اشتغال، دیدار تعاونگران، اتحادیه ها، مجمع نمایندگان و دبیر اتاق تعاون با نماینده ولی فقیه در استان پیش بینی شده است. به گفته وی؛ ششمین روز با عنوان تعاون، توسعه بازار و صادرات نامگذاری شده که نشست بانوان تعاونگر با مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان و افتتاح متمرکز طرح های تعاونی در علی آباد کتول از برنامه های آن است. مازندرانی تعاون و ترویج کار جمعی را عنوان آخرین روز از هفته تعاون بیان کرد و گفت: رژه موتوری تعاونی های حمل و نقل تاکسیرانی و حضور مدیران، کارکنان و تعاونگران در نماز جماعت در این روز برگزار خواهد شد.

۷۵ درصد خدمات استاندارد گلستان به طور الکترونیک ارائه می شود

مدیرکل استاندارد و تحقیقات صنعتی گلستان از ارائه بیش از ۷۵ درصد خدمات استاندارد در گلستان به طور الکترونیک خبر داد. به گزارش مهر، محمود فرمانی اظهار کرد: در واگذاری واحدهای عملیاتی نزدیک به ۸۰ درصد خدمات اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان به بخش خصوصی واگذار شده است.وی با بیان اینکه از سال گذشته تاکنون انجمن مدیران کنترل کیفیت و تولید کنندگان پلی استایلن در استان راه اندازی شده اند، افزود: در بخش هوشمندسازی و دولت الکترونیک بیش از ۷۵ درصد خدمات ما به طور الکترونیکی در استان انجام می شود. فرمانی بیان کرد: از ۲۰ خدمت ابلاغی، ۱۵ خدمت اداره کل استاندارد گلستان به طور کاملا الکترونیک و پنج خدمت به طور نیمه الکترونیک ارائه می شود. وی با بیان اینکه یکی دیگر از اقدامات مهم اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان الکترونیکی شدن صدور تأییدیه آسانسور بوده، ادامه داد: حجم مراجعات مردمی در این حوزه از ۹۰۰ نفر در سال ۹۴ به ۵۰ نفر کاهش یافته است. فرمانی با اشاره به کسب امتیاز ۹۹۹.۱ از مجموع یک هزار امتیاز ارزیابی عملکرد، گفت: رسیدن به این جایگاه نتیجه انجام کار گروهی و داشتن روحیه مشارکت، مستند سازی اقدامات، برنامه ریزی و تعامل تمام بخش ها و پیگیری و اجرایی کردن برنامه بوده است.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵
۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

ذائقه کودکان نیازمند تولید محتوای متنوع است

مدیرکل دفتر فن‌آوری اطلاعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: ذائقه کودکان نیازمند تولید محتوای متنوع است.به گزارش مهر، مهدیار نوید در مراسم افتتاح پرتال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گلستان اظهار کرد: مخاطبین پرتال کودک ۲۴ تنها کودکان نیستند بلکه از سنین کودک تا ۲۱ سال را شامل می‌شود.وی افزود: این پرتال از بخش‌هایی مانند کتابخانه مجازی، فیلم، مدیا و ... تشکیل شده که در یک فضای مجازی تجمیع شده است. نوید با اشاره به بارگذاری فیلم‌ها و برنامه‌های غیرحرفه‌ای در این پرتال توسط کودکان گفت: این‌کارهای بارگذاری شده غیرحرفه‌ای برای ما مهم است چرا که معتقد هستیم کودکان با این فعالیت‌های ساده پیشرفت می‌کنند. وی بابیان اینکه کانون پرورش فکری کودکان نوجوانان با تکنولوژی فضای مجازی همسو و همراه است، افزود: ازآنجایی که ذائقه کودکان متنوع بوده ما نیاز به تنوع محتوا داریم. مدیرکل دفتر فن‌آوری اطلاعات و تحول اداری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادامه داد: در حال حاضر سه مرکز فراگیر در استان گلستان فعالیت می‌کنند و هدف ما در کانون تبدیل تمام مراکز معمولی به مراکز فراگیر است. وی با اشاره به خدمات ارائه‌شده در این پرتال اظهار کرد: ارائه محتوا و خدمات نهادها و موسسه‌های مرتبط با حوزه کودک و نوجوان، معرفی محصولات و خدمات فرهنگی کانون و ... بخشی از فعالیت‌های این رسانه مجازی خواهد بود.نوید گفت: درگذشته برنامه‌های تولیدی استان‌ها به تهران ارسال و آرشیو می‌شد که در این آرشیوها برخی برنامه‌ها از بین می‌رفت اما باوجود این پرتال و بارگذاری برنامه‌ها بر روی آن محتوای تولیدشده از بین نمی‌رود.

بهبود فضای کسب و کار در گلستان

برخی مسوولان محلی معتقدند؛ گلستان واقع در شمال ایران در چهار سال عمر دولت یازدهم هرچند با موانع و چالش هایی همراه بود اما رونق فعالیت های اقتصادی و تحرک در بخش های مختلف منطقه از جمله کشاورزی، صنعت، عمرانی، خدمات و حتی سیاسی را شاهد بودیم. به گزارش ایرنا بر اساس آمارهای ارایه شده؛ دولت روحانی در چهار سال گذشته با وجود تمام تنگناها و مشکلات اعم از خارجی و داخلی اقدامات مناسبی انجام داد که استان گلستان هم از آن خدمات بی نصیب نماند.خدمات دولت تدبیر و امید را در استان گلستان می توان از جمله در اتصال راه آهن ایران از طریق مرز خشکی اینچه برون گلستان به ترکمنستان و قزاقستان، پی گیری برای تصویب منطقه آزاد اینچه برون در مجلس، رونق صنعت با بهره گیری از ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه اقتصاد مقاومتی، رشد ۱٫۵ برابری بیش از میانگین کشوری در بخش اقتصاد کشاورزی، افزایش چتر بیمه، سرمایه گذاری ۳ هزار میلیارد ریالی در بخش گازرسانی، کاهش بیکاری از ۱۳٫۸ به ۱۱٫۸ درصد و افتتاح یا کلنگ زنی هشت هزار و ۳۰۳ طرح عمرانی اشاره کرد. معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری گلستان گفت: طی چهار سال دولت یازدهم در مجموع ۹۶۰۲ طرح عمرانی، تولیدی، اقتصادی و اشتغال زا در این استان به بهره برداری رسید. رضا مروتی افزود: از این طرح ها ۶ هزار و ۷۱ طرح عمرانی و سه هزار و ۵۳۱ اقتصادی و اشتغال زا بوده است. وی اضافه کرد: علاوه بر طرح های افتتاحی در دولت یازدهم عملیات اجرایی ۷۶۰ طرح عمرانی، اقتصادی و اشتغال زای دیگر با نیاز مالی ۴۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال در استان گلستان آغاز شد.

سرمایه گذاری حدود ۳ هزار میلیارد ریالی دولت تدبیر و امید در گلستان

مدیرعامل شرکت گاز گلستان نیز گفت: طی چهار سال اخیر دو هزار و ۹۲۴ میلیارد ریال اعتبار برای اجرای طرح های گازرسانی این استان سرمایه گذاری شد. صفرعلی جمال لیوانی افزود: این سرمایه گذاری برای بهره مندی ساکنان ۱۸۲ روستا، برخورداری ۴۷۳ واحد صنعتی از سوخت گاز طبیعی و سایر طرح های سرمایه ای در استان گلستان بوده است. وی همچنین از شناسایی ۱۷۰ واحد صنعتی استان برای جایگزین کردن سوخت آن ها با گاز طبق مصوبه شورای اقتصاد خبر داد و گفت: مصرف سالانه سوخت این تعداد واحدی صنعتی ۳۰ میلیون لیتر فرآورده نفتی است.به گفته وی؛ برای بهره مندی این واحدها از سوخت گاز ۵۵۰ میلیارد ریال اعتبار برآورد شده است.

بهبود فضای کسب و کار در گلستان

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان با یادآوری تاثیر تسهیلات رونق تولید در کاهش واحدهای راکد و توسعه فعالیت های صنعتی چهار سال اخیر این استان گفت: اکنون گلستان در حوزه فضای کسب و کار از حدود ۱۸ استان دیگر وضعیت بهتری دارد. حسینقلی قوانلو با بیان اینکه رتبه ارزش افزوده استان از ۲۶ در سال ۹۲ به ۲۲ در سال ۹۳ رسید، افزود: طبق برآورد وزارت صنعت، معدن و تجارت این شاخص در سال های ۹۴ و ۹۵ به ۱۹ و ۱۸ رسید. وی همچنین به ارزیابی وزارتخانه متبوع خود در شاخص های دیگر اشاره کرد و گفت: پارسال گلستان در بخش شاخص های عملیاتی فضای کسب و کار و ارائه آمار رتبه نخست کشور را کسب کرد. وی به وضعیت صادرات کالا از استان گلستان در چهار سال اخیر اشاره کرد و افزود: صادرات کالا نسبت به مدت مشابه چهار سال قبل از آن ۶۵ درصد افزایش داشت ولی در سال ۹۵ با کاهش در این بخش مواجه شدیم که به دلیل پایین آمدن قیمت نفت و سیر نزولی صادرات به ترکمنستان بود. وی با بیان این که در ابتدای دولت تدبیر و امید حدود ۳۰ درصد از واحدهای تولیدی گلستان راکد بود، گفت: اکنون این رقم به ۱۵ تا ۱۸ درصد کاهش یافته که بیانگر رشد اقتصادی استان و ایجاد فرصت های شغلی جدید است. به گفته وی در استان گلستان ۹۵۰ واحد صنعتی و تولیدی فعالیت دارد که اگرچه شرایط بهتری نسبت به گذشته دارند اما هنوز در حد ایده آل نیستند. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: ۲۰ درصد واحدهای صنعتی استان در دولت یازدهم پروانه تاسیس گرفتند و ۳۸ درصد سرمایه گذاری ها نیز طی همین مدت انجام شد.قوانلو اظهار داشت: در بخش صنعت گلستان در طول ۳٫۵ سال گذشته ۱۸۰ واحد صنعتی با سرمایه گذاری ۵ هزار و ۴۸۰ میلیارد ریال و اشتغال ۳ هزار و ۲۲۸ نفر به بهره برداری رسید و ۶۱ واحد با سرمایه گذاری یک هزار و ۵۰ میلیارد ریال و اشتغال هزار نفر توسعه یافت. وی گفت: رشد ارزش افزوده صنعت گلستان در سال ۹۲، ۳۲٫۵ درصد و رتبه ۱۶ کشور بود که در سال ۹۳ به ۳۷٫۵ درصد افزایش یافت.به گفته وی؛ گلستان پنجمین استان کشور در رشد ارزش افزوده بخش صنعت بعد از کرمان، خراسان رضوی، یزد و خراسان جنوبی بوده است.

اهتمام جدی دولت تدبیر و امید بر خدمت رسانی به مردم گلستان

استاندار گلستان نیز با تاکید بر اهتمام دولت روحانی برای خدمت رسانی بیشتر به مردم گفت: در ابتدای فعالیت این دولت نرخ بیکاری در گلستان ۱۳٫۷ درصد بود که با ایجاد ۶۵ هزار شغل در طول ۳ سال و نیم گذشته به ۱۱٫۸ درصد رسید و نرخ مشارکت اجتماعی مردم نیز از ۳۴ درصد به ۳۹ درصد افزایش یافته است.حسن صادقلو از مهم ترین اقدامات صورت گرفته برای گلستان را تهیه و تدوین نقشه راه توسعه دانست و افزود: تهیه سند آمایش سرزمین، سند جامع امنیتی و اسناد ۱۴۰۴ و ۱۴۲۰ در این مدت انجام شده است.وی با یادآوری مصوبات سفر سال ۹۳ هیات دولت به گلستان گفت: بیش از ۹۲ درصد قول های رئیس جمهوری اجرایی شده و بقیه هم در دست پیگیری برای اجرا است. وی با اشاره به سفر سال گذشته رئیس سازمان برنامه و بودجه به گلستان افزود: در آن سفر برای ۴۰ نامه از دکتر نوبخت دستور ویژه دریافت شد و با پیگیری صورت گرفته از محل تبصره ۳۶ قانون اصلاح بودجه ۹۵ بیش از ۴۰۷ میلیارد تومان به استان تخصیص داده شد.استاندار پیگیری تصویب منطقه آزاد اینچه برون در مجلس شورای اسلامی، طرح گردشگری آشوراده، طرح ها و پروژه های راه آهن و بویژه خط ریلی گرگان – مشهد، زهکشی ۲۲ هزار هکتار از ۲۸۰ هزار هکتار اراضی شمال گلستان، توجه به خرید تضمینی گندم به عنوان محصول استراتژیک استان، فراهم کردن زمینه افزایش میزان تولید میگو از ۲۵۰ به ۱۲۰۰ تن، مسائل فرهنگی، ایجاد موزه روستایی قُرق و موزه تاریخی گنبدکاووس را از اقدامات خوب دولت یازدهم در گلستان برشمرد.

آئین گرامیداشت روز جهانی عکاسی در گرگان برگزار شد

نخستین آئین گرامیداشت روز جهانی عکاسی با حضور مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان و جمعی از عکاسان استان در گرگان برگزار شد.به گزارش مهر، مدیرعامل انجمن عکاسی گلستان در این برنامه به بیان خاطرات چگونگی تشکیل این انجمن پرداخت و گفت: این انجمن به همت بزرگان عکاسی استان از جمله آقایان حسینعلی حاج محمدی، مسعود همامی و حسینعلی قربانی افخمی تشکیل شده است. یحیی کریم آبادی افزود: پیش از استقلال، انجمن عکاسی زیر نظر انجمن سینمای جوان فعالیت می کرد که با تلاش بزرگان این عرصه از هیجدهم اسفندماه سال ۱۳۹۱ به طور مستقل اعلام موجودیت کرد. کریم آبادی که از زمان تاسیس انجمن عکاسی مدیریت آن را برعهده داشته است، خاطرنشان کرد: ثبت رسمی انجمن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دومین انجمن ثبت شده رسمی یکی از مهمترین اقدامات ما بوده است.وی ادامه داد: دریافت مجوز فعالیت های هنری از استانداری برای آنکه عکاسان به سهولت بتوانند به حرفه خود بپردازند دیگر اقدام مهمی بود که در این مدت انجام شده است. مدیرعامل انجمن عکاسی گلستان در خصوص مساعدت های مالی نهادهای مختلف به این انجمن اظهار کرد: انجمن تاکنون ریالی از نهادهای دولتی و خصوصی دریافت نکرده و تمام نیازمندی های مالی با حمایت خود اعضا برطرف شده است. به گفته کریم آبادی، برگزاری کلاس آموزش عکاسی حرفه ای به صورت طولانی مدت یکی از اقدامات کم سابقه در سطح کشور بوده که در گلستان اجرایی شده است. همچنین باتوجه به اینکه در تقویم جهانی روز ۱۹ آگوست مصادف با ۲۸ مرداد ماه «روز جهانی عکاسی» نامگذاری شده علت تأخیر در برگزاری مراسم تداخل برنامه های ملی متناسب با این روز با برنامه های احتمالی استان عنوان شد.انجمن عکاسی یکی از فعالترین انجمن های هنری استان گلستان است که در سطوح ملی و بین المللی به افتخارات فراوانی دست پیدا کرده است. از جمله عکاسان موفق استان می توان به «رضا وهمی» اشاره کرد که نشان دکترای افتخاری هنر از مرکز آموزش عالی هنر فرانسه و پیشنهاد اقامت در این کشور را دریافت کرده است.در اواسط برنامه، پرویز دباغ پیشکسوت عکاسی استان که تجربه تصویربرداری با دوربین های آنالوگ را دارد به ذکر خاطرات خود پرداخت. همچنین رونمایی از نخستین کارت عضویت انجمن به وسیله مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار شد. بر این اساس کارت نمادین عضویت به داود عامری عکاس برجسته استان اعطا شد. در پایان آئین از چهره های برتر و ماندگار عکاسی در استان به اسامی پرویز دباغ، ولی الله فدایی، اصغر علی نژاد، هوشنگ فتاحی، حسن محمدزاده، عزت الله شیخ رحیمی، اکبر کاوه، رسول آبادی، سیدحسن ابوالقاسمی، حسینعلی افخمی، حاج محمدی، حجت الله قربانی نژاد، رضا وهمی، داود عامری، نظرنوکنده، ابوالقاسم قاسمی و سید سیناسیدالنگی بااهدای لوح تقدیری تجلیل شد. همچنین یاد و خاطره مرحومان فرامرز قربان نژاد و پوراکبر گرامی داشته و لوح تقدیر ایشان به فرزندان آن دو تقدیم شد.

مزایده عمومی

هتل جهانگردی ناهارخوران در نظر دارد

قسمتی از فضای داخلی هتل را جهت ایجاد غرفه سوغات و صنایع دستی از طریق مزایده عمومی واگذار نماید. واجدین شرایط می توانند جهت دریافت و تکمیل فرم مزایده از تاریخ ۹۶/۶/۱۱ لغایت ۹۶/۶/۱۳ به واحد حسابداری هتل مراجعه نمایند.

آدرس: ابتدای بلوار ناهارخوران – هتل جهانگردی ناهارخوران

تلفن تماس: ۳۲۵۴۰۰۳۴ زمان بازگشایی پاکات: ۹۶/۶/۱۵ ساعت ۱۲

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه باستناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

بدینوسیله به : ۱- آقای فرامرز شیخی فرزند محمد شماره شناسنامه ۹ صادره از حوزه ۲ کردکوی متولد ۱۳۳۷ -۲- آقای علی اکبر خاری فرزند محمد ابراهیم شماره شناسنامه ۱۲ صادره از حوزه ۲ کردکوی متولد ۱۳۳۷، هر دو ساکن: بندرگز – خیابان شهید اسدی عرب بعنوان ضامنین، ابلاغ می‌شود، مبنی بر اینکه بانک کشاورزی شعبه بندرگز به استناد قرارداد بانکی شماره ۳۱۵۸۱۰۰۱۷۱ – ۱۳۸۲/۰۲/۲۴ جهت وصول مبلغ ۸۵۲/۶۰۲/۰۰۰ ریال شامل: مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل و مبلغ ۵۵۱/۸۸۱/۰۰۰ ریال خسارت تأخیر تأدیه ومبلغ ۹۵/۷۲۱/۰۰۰ ریال سود بانکی و مبلغ ۴۵۵/۴۹۹ ریال جریمه تاخیر روزانه و ۵/۰۰۰/۰۰۰ریال حق الوکاله طبق مقررات علیه شماها مبادرت به تقاضای صدور اجرائیه نموده که پرونده به کلاسه ۹۶۰۰۰۲۹ تشکیل شده و در جریان اقدام است. اجراییه صادره جهت ابلاغ به شماها به اداره پست بندرگز ارسال گردید. طبق گزارش مأمور ابلاغ اداره پست شهرستان بندرگز شماها در آدرس تعیین شده در متن سند رهنی مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار نیز نتوانسته شما را معرفی نماید و طی درخواست کتبی تقاضای ابلاغ اجرائیه از طریق انتشار آگهی در روزنامه را نموده بنابراین طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا، مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت آگهی می‌شود لذا چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب می‌گردد به تعهدات خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی برابر مقررات طبق تقاضای بستانکار علیه شما تعقیب خواهد شد.

حجت اله تجری – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز – م . الف ۶۱۹

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مهناز محصلی برابر وکالت تفویضی ۱۴۷۵۴۴–۱۳۸۷/۵/۸ دفتر ۱۶ گنبد و وکالتنامه اصلی ۱۴۱۳۵۵–۱۳۸۵/۲/۱۹ دفتر ۱۶ گنبد از طرف مالک اسلام کاسب و با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین بمساحت ۱۵۷٫۵ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۶۷۸۶۹۷ بپلاک ۱/۲۸۲۶۷- اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۵۵۱۶۷ ص ۲۵۲ ج ۳۳۶ بنام آقای اسلام کاسب فرزند تقان دردی شماره شناسنامه ۱۸۹ ثبت و صادر گردیده، به علت سهل انگاری مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰ (ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد – م الف ۸۳۰۷

آگهی فقدان سند مالکیت

موسی میرمرادی برابر قیم نامه ۹۴۰۰۴۵ س محجورین– ۱۳۹۵/۷/۲۷ دایره سرپرستی دادسرای عمومی و انقلاب گنبد از طرف خانم میرمرادی و آقای عیسی میرمرادی(اصالتا) فرزندان ابراهیم با ارائه چهار برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که بترتیب سند مالکیت مقدار ۱۶۶۶٫۶۷ و ۳۳۳۳٫۳۳ سهم مشاع از ۱۰۰۰۰۰ صد هزار سهم ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۱۰۰۰۰۰ هزار مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۶۷۷۳۰۲ و ۶۷۷۲۹۹ ب ۹۳ بپیلاک ۵۱۱ فرعی از ۳۳ اصلی بخش ۱۴ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۱۴۳۴۳– ۲۷۸۱ ص ۱۸۴–۳۷۹ ج ۹۸–۱۶ بنام خانم مریم میر مرادی و عیسی میر مرادی فرزندان ابراهیم شماره شناسنامه ۱۱۲–۲۹ ثبت و صادر گردیده به علت سهل انگاری مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰ (ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد – م الف ۸۳۰۹

خبر

نیاز امروز کشور مدیریت جهادی و خستگی ناپذیری است

استاندار گلستان گفت: نیاز امروز کشور ما مدیریت جهادی، تلاشگر و خستگی ناپذیری است. به گزارش مهر، حسن صادقلو در مراسم یادواره شهدای کارمند گلستان، اظهار کرد: شهیدان رجایی و باهنر و تمام شهدای اسلام خدایی هستند و ما باید با الگو گرفتن از این دو شهید عملکرد خود را ارزیابی کنیم. وی افزود: باید نگاه عمیقی به زندگی شهیدان رجایی و باهنر داشته باشیم و تاریخ‌های راستین انقلاب را فراموش نکنیم و اگر نسلی به انقلاب پیوند نمی‌خورد به این دلیل است که نتوانستیم نگاه و عبرت‌ها را به نسل جوان منتقل کنیم. استاندار گلستان با بیان اینکه نخستین شاخصه شهیدان رجایی و باهنر شاخصه فکری است، گفت: برای نمونه شدن در مدیریت نظام اسلامی باید از لحاظ فکری به جایگاه این شهیدان برسیم و هر مدیری می‌تواند این شاخص‌ها را در قانون اساسی، بازخوانی فرمایشات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی پیدا کند.صادقلو تصریح کرد: شهید رجایی انسانی مردمی، ساده و بی ریا بود و چنین خصلت‌هایی موجب معرفی شهیدان رجایی و باهنر به جهانیان شد. وی ادامه داد: بنیانگذار انقلاب اسلامی در خصوص شهیدان رجایی و باهنر فرمودند که ریاست این دو شهید تاثیری نداشت بلکه این بزرگان در ریاست تاثیر گذار بودند.

جشن روز گرگان باشکوه برگزار می‌شود

سرپرست شهرداری گرگان با بیان اینکه جشن روز گرگان باشکوه‌تر از همیشه برگزار می‌شود عنوان کرد: لوح ثبت ملی گویش گرگانی در این مراسم رونمایی خواهد شد. به گزارش مهر، مهدی باقری اظهار کرد: آئین بزرگداشت روز گرگان در روز بیستم شهریورماه با سرپرستی بنده در شهرداری گرگان همراه شد و برای برگزاری بهتر این مراسم نشستی با اعضای شورای شهر داشتیم تا با شکوه‌تر از همیشه برگزار شود. وی افزود: برنامه‌های روز گرگان از گذشته در سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان پیش بینی شده بود و تغییرات زیادی نخواهد داشت.سرپرست شهرداری گرگان با اشاره به ثبت ملی گویش گرگانی، گفت: گویش گرگانی به عنوان میراث معنوی به ثبت ملی رسیده و با هماهنگی اداره کل میراث فرهنگی از لوح این میراث معنوی در آئین بزرگداشت روز گرگان رونمایی خواهد شد.باقری در خصوص مکان برگزاری جشن روز گرگان، یادآور شد: مکان برگزاری این مراسم هنوز قطعی نشده اما در صورت تائید شورای تامین به احتمال زیاد در محله سبزه مشهد گرگان برگزار می‌شود و از نخبگان، فرهیختگان و مردم گرگان دعوت خواهیم کرد. وی تصریح کرد: در دهه امامت و ولایت هم برنامه‌های ویژه‌ای در خانه‌های فرهنگ و سطح شهر گرگان خواهیم داشت و آذین بندی و نورافشانی شهر در این دهه انجام خواهد شد.

نخستین کلینیک فوق تخصصی در گرگان افتتاح شد

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: کلینیک ویژه مستقل فوق تخصصی ویلا همزمان با هفته دولت در ۹ واحد افتتاح شد. سید احمد حسینی در گفتگو با مهر ضمن بیان این خبر، با اشاره به اینکه این مرکز بعد از کلینیک دزیانی دومین کلینیکی است که در شهرستان گرگان افتتاح شد اظهار کرد: با جمعیتی که در شهر گرگان موجود است این شهرستان مجوز راه اندازی یک کلینیک دیگر راه هم دارد تا بتواند خدمات بهتر و آسان تری را در اختیار شهروندان و هم استانی ها قرار دهد. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان با بیان اینکه برخی از شهرستان های استان از وجود این چنین کلینیک‌های برخوردار هستند، گفت: این کلینیک ها به منظور رفاه بیشتر و خدمات دهی بهتر به شهروندان و بیماران راه اندازی می شود.وی با اشاره به اینکه این کلینیک دارای ۱۱ متخصص است، تصریح کرد: بیشتر این پزشکان دارای فوق تخصص هستند و در دو بخش بزرگسالان و اطفال فعالیت می کنند. حسینی اظهار کرد: این کلینیک در بخش های جراحی داخلی، غدد، ریه، گوارش، عفونی، اکو و قلب فعالیت خواهد داشت.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر

دانشگاه ما، دانشگاه ملّی نیست

سید جواد طباطبایی – نزدیک به نیم قرن پیش، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفتم اما سپس به دلایلی، مجبور شدم به دانشگاه‌هایی در کشورهای دیگر هم بروم. اول به چند دانشگاه اروپایی غیر از فرانسه رفتم و بعد از انقلاب در ایران، به چند دانشگاه آمریکایی؛ در این گشت‌وگذار بود که به‌تدریج به نکته‌ی بسیار مهمی پی بردم. نکته‌ی مهمی که اکثر ایرانیانی که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند، به‌عنوان یک مسأله و یک گره متوجه آن نمی‌شوند. از دوره‌ی قبل از انقلاب، ایرانیان عمدتا از دانشگاه‌های ایران لیسانسی می‌گیرند و بعد می‌روند آنجا دو سه سالی درس می‌خوانند و در چیزی تخصصی پیدا می‌کنند و سرانجام برمی‌گردند به ایران و استاد دانشگاه می‌شوند. این‌جور که ما ایرانیان رفتیم و آمدیم، مسأله‌ی خیلی مهمی را متوجه نشدیم! مسأله‌ی مهم این است که دانشگاه‌های مهم اروپا و بعد آمریکا، دانشگاه‌های ملی آن کشورها هستند!ما فکر می‌کردیم که می‌رویم فرانسه، علم می‌آموزیم و علم هم یک چیز جهانی و سهم تمام بشریت است، ما هم چیزهایی را یاد می‌گیریم و آن‌ها هم به ما یاد می‌دهند و می‌آییم ایران، دوباره آن آموخته ها را ادامه می‌دهیم.من فهمیدم که این‌طور نیست. در فیزیک و شیمی و ریاضیات و ... شاید این‌طور باشد اما در علوم انسانی از همان آغاز مشکل داریم. خیلی‌ها می‌روند، می‌آیند، ۳۰سال درس می‌دهند، بازنشسته هم می‌شوند و باز متوجه نمی‌شوند که چنین مسأله‌ای است. به عنوان مثال، می‌رویم آنجا و اگر انگلیسی بلد باشیم در کلاس درس استادی می‌نشینیم و او درباره‌ی Subject صحبت می‌کند. استاد فکر می‌کند ما فهمیده‌ایم؛ ما هم فکر می‌کنیم فهمیده‌ایم که او چه گفته است ولی اصلا نمی‌فهمیم او چه می‌گوید چرا که او از Subject چیزی می‌فهمد که پشت آن، چندین سده بحث فلسفی اساسی دارند ولی ما اصلا آنها را نمی‌دانیم. جز این نیست که در فرهنگ لغت جست‌وجو کرده‌ایم و دیده‌ایم که نوشته است Subject یعنی فاعل، فاعل شناسایی، مسند و چند معنای دیگری که دارد. خوب می‌رویم آنجا و فکر می‌کنیم که Subject همین است. درحالی‌که کلمات که فقط کلمات نیستند. کلمات با خودشان تمدن و فرهنگی را حمل می‌کنند. این را زمانی که من دانشجوی دانشگاه تهران بودم، یکی از استادان قدیمی ادبیات فارسی آنجا به من گفته بود و آن زمان به نظرم حرفی خنده‌دار می‌آمد. بعدها فهمیدم معنایش چیست. او به خارجی‌ها فارسی درس می‌داد. می‌گفت یک دانشجوی فرانسوی داشتم که روزی به من گفت: «بعد از این همه مدت، من فهمیدم که «فنا» یعنی چه و معادلش را هم پیدا کرده‌ام ولی هرچه فکر می‌کنم نمی‌فهمم که آدم چه‌طور فانی می‌شود» فنا را در فرهنگ لغت دیده بود و فکر می‌کرد فنا همان مردن است و نمی‌فهمید آدم زنده چه‌طور فانی است.. بار فرهنگی که هرکدام از ما، هیچ هم که از عرفان ندانیم حدودا می‌فهمیم که چه می‌گوییم یا شعری که می‌خوانند را کمی می‌فهمیم، آن دانشجو نمی‌فهمید. حق با او بود. این مسأله، گره بسیار مهمی است. من چند سالی که رفتم و درس خواندم، فکر کردم که بعدا هم‌آنجا معلم دانشگاه بشوم اما نشدم! بعدها با خودم فکر کردم که خوب یک جایی از کار، یک ایرادی دارد. می‌شود آن ایراد را دولتی و سیاسی فهمید اما من فهمیدم که من کلمات این‌ها را به درستی نمی‌فهمم و این‌ها هم زبان مرا به‌درستی نمی‌فهمند. دوباره و چندباره سعی کردم و هرزمانی هم در یک دانشگاه و موسسه‌ای تحقیقاتی در کشورهای مختلف اروپا و در آمریکا بودم و آن‌گاه نکته بسیار مهمی را متوجه شدم و آن این بود که کشورهای اروپایی و امریکایی، علوم انسانی ملّی دارند و دانشگاه‌شان، دانشگاه ملّی است! حالا این سخن به چه معنا است؟ به این معنا که اگر چه ما فکر می‌کنیم دانشگاه برلین، دانشگاه رم یا دانشگاه پاریس دانشگاه‌هایی هستند که علم جهانی را درس می‌دهند و این درست است اما در اصل، این‌ها دانشگاه‌های مهمی هستند به این اعتبار که «دانشگاه ملّی» هستند و به همان اعتبار است که دانشگاه‌هایی جهانی شده‌اند. در سال‌هایی که در دانشگاه تهران گذراندم، اول دانشجو بودم، بعد معلم شدم، سپس فهمیدم این دانشگاه ما اصلا دانشگاه نیست، چون «دانشگاه ملّی» نیست. موضوع دانشگاه ما، ملّت ایران و کشور ایران نیست.

اما چرا دانشگاه در ایران نتوانسته ملی باشد؟ چون موضوع دانشگاه ما، ایران نیست. برای این واژه‌ی «موضوع» دو کلمه در زبان‌های اروپایی وجود دارد. یکی Subject است. مثلا می‌گویند راجع به چه صحبت می‌کنیم یا راجع به چه صحبت می‌کردیم که به این‌جا رسیدیم؟ آنجا کلمه‌ی موضوع را با واژه Subject بیان می‌کنند، اما یک موضوع دیگر هم است، شبیه آنچه علما از قدیم می‌گفتند که تمایز علوم به موضوعات آن‌هاست. این موضوع، Object است. اینجا کلمه «موضوع» فارسی که در واقع از عربی آمده است، ترجمه‌ی هر دو واژه‌ی Subject و Object می‌تواند باشد. دانشگاه ما موضوع دارد یعنی Subject یعنی یک چیزهایی را رطب و یابس به هم می‌بافد و تحویل می‌دهد و یک مد هم به فارغ‌التحصیلان می‌دهد اما دانشگاه در کشورهای اروپایی، موضوع به معنای Object دارد، یعنی مثلا فلسفه‌ای که مال یونان است، فلسفه‌ی یونانی است یا فلسفه‌ی جدید آلمان که مهم‌ترین فلسفه‌ی جدیدی است که در بخش مهمی از دنیا پخش شده است، فلسفه‌ی آلمانی است. بسیاری از علوم اجتماعی جدید از دل این فلسفه‌های جدید بیرون آمده‌اند اما این فلسفه از آغاز آلمانی بوده است. فلسفه‌ی فرانسوی نیز همین‌طور است. این‌ها قبل از هر چیز، مسأله‌ی خودشان را موضوع قرار داده‌اند. مثلا مسأله‌ی جامعه‌شناسی آلمانی که ماکس وبر نماینده‌ی بزرگ‌ش است، با ده‌ها نفر آدمی که دور و برش بودند، افراد قبل و بعد از وی، بخش مهمی از مسأله‌اش در درجه اول، خود آلمان است. آنها با تعمیم یک موضوع خاص یعنی یک Object خاص که کشور خودشان باشد، علم جهانی را تولید کرده‌اند. به عبارت دیگر، مباحث خودشان و موضوع خودشان را جهانی کرده‌اند. دانشگاه ما، از آغاز دانشگاه ایرانی نبوده است. منظورم این نیست که مثل جلال آل‌احمد که حرف‌های بی‌ربط بسیاری زده است، مثلا «پرچم غربزدگی بر بام...» و از این حرف‌هایی که نه سر دارد نه ته، از این چیزها بگویم. او که اصلا دانشگاه نرفته بود و نمی‌دانست که دانشگاه یعنی چه. دانشگاه ما نتوانسته است از آغاز تا کنون، دانشگاه ملّی باشد یعنی موضوع آن، ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی باشد و اگر این‌طور می‌بود یا اگر یک روزی این‌طور باشد، دانشگاه ما خواهد توانست به نظام علم جهانی ربط پیدا کند والا همین خواهد بود که امروز است! فارغ‌التحصیل و کارمند ثبت احوال و ... [بیرون خواهد داد] و بعد بازنشستگی و باز دوره‌ی دیگر و دوباره دوباره ... و الان هم که به این ابتذال کشیده شده است، که هم رساله می‌نویسند و هم سفارش مقاله می‌دهند و هم درس می‌دهند که دیگر خودتان می‌بینید و وضع بدتر از این هم خواهد شد. تازه من انتقادم به دانشگاه تهران است که برای خودش دانشگاهی بود نه جاهای دیگر که گاهی یک نفر نیست که بتواند درست فارسی حرف بزند! مشکل اصلی ما این است که ما، «موضوع» خودمان نیستیم. ملّتی هم که نتواند خودش را به عنوان مسأله تعریف کند و به‌عنوان موضوع توضیح بدهد و منطق ملّت بودن خودش را تحقیق کند، معلوم است که نمی‌تواند علم تولید کند. [آن‌گاه] هر کس مقلد آن‌جایی خواهد شد که رفته و درس خوانده است. انگلیس‌رفته‌ها از انگلیس و فرانسه‌خوانده‌ها از فرانسه و آمریکاخوانده‌ها از آمریکا و دیگران از جای دیگر تقلید می‌کنند. هرکسی از یکجایی آمده و ساز خودش را می‌زند. برای این که علم آن‌جا را آورده این‌جا و مقلدانه و در سطح بسیار پایین دارد عرضه می‌کند. بنابراین طبیعی است که با این وضعیت برای ما دانشگاه درست نشود.

انقلاب مشروطه یعنی انقلاب حقوق

جعفرپارساپور

برای اولین باردر مشروطه بودکه حقوق ما از بیرون دستگاه دولتی ودر تعارض با دستگاه دولتی،به درون دستگاه دولتی منتقل شد وضمانت اجرایی دولتی پیدا کرد.انقلاب دمکراتیکی ما در واقع همین بود.انقلاب اساسی در اینجا صورت گرفت واین وجدان نگون بخت ایرانی که همه چیزش از هم گسیخته بود برای اولین بار در مشروطه التیام پیدا کرد. مشروطیت ایران بخشی از تاریخ مشروطیت جهانی است .دریافت ما از جنبش مشروطه خواهی و اندیشه مشروطیت زمانی دقت لازم را پیدا خواهد کرد ،که آنرا به عنوان فصلی در تحول مفاهیم اندیشه سیاسی ،لحظه ای در انقلاب های دمکراتیکی و به مثابه آغاز پایان نظامهای خودکامه چه از نوع سلطنتی و چه از انواع دیگر آن بفهمیم .از این حیث مشروطه خواهی حادثه ای در تاریخ جهان آزاد و حکومت قانون است.۱ فکر مشروطه خواهی از انگلستان توسط اولین دانشجویانی که از تبریز به انجا رفتند وارد ایران شد. انگلستان از برخی جهات به ما شباهت داشت و ما نیز می توانستیم شبیه آنها متحول شویم. در انگلستان، تجدد پیش از همه جا در کلیسا به وجود آمد. در واقع نظام مشروطیت انگلیس حاصل تحولی در داخل الهیات و فقه مسیحی است. جوانه های فکر حکومت قانون در ادیان الهی به وجود آمده است. اتفاق مهمی که در انگلستان صورت گرفت ،تبدیل نظریه قانون شرع به قانون جدید بود. که اساسا روشنفکری ما هیچ اطلاعی از مقدمات این بحث ها نداشتند.تنها کسانی که معنای جدید مشروطه را متوجه شده اند علما بوده اند. آیات نجف ،شریعت مدارانی که در تهران ودر دیگر ولایات ممالک محروسه به جنبش مشروطه خواهی پیوسته بودند و گروهایی از اصناف مردم و البته رجال فرهیخته ای که با تشکیل مجلس اول کار تدوین مجموعه های قانونی را برعهده گرفتند ،همه،به درجات مختلف،مشروطیت را حکومت قانون فهمیدندو بر آن بودند که اگر بتوان در اسلام از اصلاح دینی سخن گفت،جز از مجرای تبدیل قانون شرع به نظام حقوق جدید امکان پذیر نخواهدابود.جدال میان قدما و متاخرین که در قلمرو نظر صورت نگرفته بود با پیروزی جنبش مشروطه خواهی ،به حوزه عمل سیاسی انتقال پیدا کرد و،با تشکیل مجلس اول ،مجلس به میدانی برای ان جدال تبدیل شد.وانگهی تنها وجهی از این جدال میان طرفداران نظام سنت قدمایی و هواداران اندیشه سیاسی جدید در گرفت.در حالی که صورت اساسی این جدال به میان دو گروه از طرفداران نظام سنت قدمایی انتقال پیداکرد و ارایش کهن نیروهای آن را برهم زد.از دیدگاه تاریخ اندیشه در ایران ،جدالی که میان شیخ فضل الله نوری و، طرفداران او،و اخوند خراسانی و هواداران او در گرفت اساسی تر از ان بوده است که در تاریخ های مشروطیت امده است. اخوند خراسانی ،نائینی و محلاتی به بحث اندیشه جدید نزدیک شدند و نظریه مصالح عمومی را طرح کردند و برای اولین بار در داخل کلام شیعی تحول صورت میگرفت که در محدوده نظریه حکومت نیز تعریف میشد .نقطه گرانیگاه سنت در ایران فقه است اگر این حقوق متحول شود نظام سنت هم متحول میشود .جدر جامعه ای که فقه مناسبات ما را تنظیم میکرد ،انها با طرح این نظریه در واقع راه حکومت قانون را باز کردند.پدران مشروطیت ایران دریافته بودند که مشروطیت بیشتر از آن که صرف نظامی سیاسی و مجموعه نهادهای آن باشد ،در عین حال ،تفسیری از اسلام با توجه به الزامات دوران جدید نیز است.با استفاده از برخی مفاهیم رایج در اندیشه ی جدید ،در تعبیر دیگری ،به مسامحه،میتوان گفت که مشروطیت ایران،در عمل ،تنها اصلاح ممکن در اسلام را انجام دادو چنان که بتوان مفاهیم و مقولات مشروطیت ایران را استخراج کرد ،می توان نظام مفاهیم اصلاح دینی اسلام را تدوین کرد.۲ این اتفاق مهم از طرف روشنفکری ایران فهمیده نشد وهمین نفهمیدن معنای مشروطیت بود که رشته های انها را پنبه کرد.

پراتیک نظری مشروطیت موضوع بسیار مهمی است .عملی بود که در حوزه اسلام به نتیجه رسید و ما به ان بی توجهی کرده ایم.اگر ما مجلس اول را می فهمیدیم ،متوجه میشدیم ،مجلس اول به راهی رفت که روشنفکری وغیر روشنفکری ما به ان بی توجه بوده است .در مجلس اول برای اولین بار نظام حقوق شرع به حقوق جدید تبدیل شد .تاریخ مشروطه خواهی در غیاب تاریخ نویسی حقوق نوشته شده است ،بخش مهمی از تاریخ مشروطه خواهی تاریخ حقوق و مفاهیم حقوقی است که هیچ تاریخ نویسی نمی تواند در بی التفاتی به آن نوری بر تاریخ مشروطیت ایران بتاباند.تاریخ نویسی مشروطه خواهی درغیبت مفاهیم حقوقی نه تنهامنجر به اشتباهات در توضیح معنای تحولات شده است بلکه نتوانسته محتوای مفاهیم حقوقی انها را اشکار کند.با افتادن شکاف در جبهه طرفداران نظام سنت قدمایی که بویژه با پیروزی مشروطیت ژرفای بیشتری پیدا کرد ،دو دریافت کمابیش متفاوت از شرع پیدا شده بود که تاریخ نویسان جنبش مشروطه خواهی توجهی به آن نشان نداده اند .این بی توجهی یکی از عمده ترین ایرادهای فرو کاستن تاریخ اندیشه به تاریخ روشنفکری است ،زیرا با ابزار های مفهومی تاریخ روشنفکری تشخیص تمایزهای میان دوگروه طرفداران نظام سنت قدمایی ممکن نبود .برای اولین بار در مشروطه بود که حقوق ما از بیرون دستگاه دولتی و در تعارض با دستگاه دولتی،به درون دستگاه دولتی منتقل شد و ضمانت اجرائی دولتی پیدا کرد.انقلاب دمکراتیکی ما در واقع همین بود .انقلاب اساسی در اینجا صورت گرفت و این وجدان نگون بخت ایرانی که همه چیزش از هم گسیخته بود برای اولین بار در مشروطه التیام پیدا کرد .در واقع نظام حقوقیش از بیرون به درون منتقل شد .این انقلاب مهمی بود بعد از آن هم در این حوزه هیچ اتفاق مهمی نیافتاده است.۳

روح مشروطیت نظام حقوقی جدید بود که کالبدی جز مجلس شورای ملی نمی توانست داشته باشد .مجلس شورای ملی کانون تصمیم گیری و ابتکار عمل بود ،زیرا با پیروزی مشروطیت ،روح تجدد خواهی در مجلس شورای ملی حلول پیدا کرده بود، واز ان پس ،چنان که توکویل با بررسی عصر انقلاب های دمکراتیکی در اروپا و بسط آن در امریکای شمالی گفته بود ،هر اتفاقی،در نهایت ،کوششی برای تثبیت اساس ازادی و حکومت قانون بود.شرشت ویژه مشروطیت ،به عنوان حکومت قانون ،و مقدمات فکری مشروطه خواهی در ایران،که بطور عمده مبتنی بر اندیشه خودکامه ستیزی وقانون خواهی بود ،موجب شد که مشروطیت ایران نتواند نظامی از اندیشه سیاسی بسط دهد،در حالی که با پیروزی مشروطه خواهی در کانون مطالبات ،تدوین نظام حقوقی مورد توجه ویژه ای قرار گرفت.از این رو ،جای شگفتی نیست که مشروطه خواهی ایرانیان ،به خلاف همه انقلاب های سده نوزدهم میلادی ،که بر فلسفه سیاسی جدیدی تکیه داشتند ،هرگز نتوانست فلسفه سیاسی خود را ایجاد کند.اگر چه جنبش مشروطه خواهی ،به تعبیر توکویل از نوع انقلاب های برای تاسیس آزادی بود ،اما تلقی مشروطه خواهان ایرانی و نمایندگان نخستین مجلس ها از آزادی از محدوده حکومت قانون فراتر نرفت و بحث نظری در باره آزادی در میان آنان صورت نگرفت.۴

منابع : کتاب نظریه حکومت قانون در ایران

تنها خدایی میتواند ما را نجات دهد

مصاحبه هایدگر با اشپیگل بخش پایانی

آیا آمریکایی‌ها امروزه این نسبتِ صریح را دارند؟آن‌ها هم فاقدِ چنین نسبتی هستند. آن‌ها هنوز گرفتارِ تفکّری –پراگماتیسم– هستند که عمل و دست‌کاری تکنیکی را می‌بالد و درعین‌حال، راهِ رسیدن به تأمّل درباره‌ی آن‌چه که خصیصه‌ی تکنیکِ مدرن است را می‌بندد. در این میان، برای گسستن از اندیشه‌ی پراگماتیک–پوزیتیویستی، هم در این‌جا و هم در آمریکا تلاش‌هایی شده‌است. چه‌کسی از ما می‌تواند بگوید روزی در روسیه و چین فرادهش‌های کهنِ تفکّری سر برنخواهند آورد که به آدمی در ممکن‌ساختنِ نسبتی آزاد با عالَمِ تکنیکی یاری رسانند؟!

اگر این نسبت را کسی نداشته‌باشد و فیلسوف [هم] نتواند آن را به کسی عَرضه کند...

در توانِ من نیست که تصمیم بگیرم با مساعیِ خود در تفکّر به چه ساحتی برسم و این ساحت در آینده چه‌گونه پی‌گیری شود و تغییری غنی یابد. در سال ۱۹۵۷ در جشن سال‌گردِ تأسیس دانش‌گاه فرایبورگ سخن‌رانی‌ای با عنوانِ «اصلِ این‌همانی» ایراد کردم. در این سخن‌رانی، با برداشتن گام‌هایی مختصر در تفکّر، خود را به این مخاطره درانداختم تا نشان‌دهم تا چه‌حدّ تجربه‌ی تفکّر از آن‌چه که اصلی‌ترین خصیصه‌ی تکنیکِ مدرن است، می‌تواند پیش برود. من کوشیدم نشان‌دهم که این تفکّر ممکن است تا سرحدّ گشایشِ این امکان پیش رود که بشرِ عصرِ تکنیکی با خواستی نسبت یابد که نه‌تنها قادر به شنیدنِ آن باشد، بلکه تعلّقی نیز بدان داشته‌باشد. تفکّرِ من نسبتِ ضروری و اساسی‌ای با شاعری هولدرلین دارد، امّا چنین نمی‌اندیشم که هولدرلین صرفن شاعری در میانِ دیگر شاعران است که آثارش موضوعِ بررسیِ تاریخ‌نگارانِ ادبی ست. در تفکّرِ من هولدرلین شاعری ست که به آینده اشاره دارد، در انتظارِ خدا ست و بنابراین، کسی ست که صرفن نمی‌تواند موضوعی برای تحقیقاتِ تاریخِ ادبیّات باشد.

دارید درباره‌ی هولدرلین سخن می‌گویید. با عذرخواهی از این‌که بار دیگر یکی از گفته‌های شما را نقل می‌کنیم، شما در درس‌های خود درباره‌ی نیچه بیان داشته‌اید که: «نزاعِ میانِ دیونیزوس و آپولن، شوق قدسی و دلیل‌آوری هوش‌یارانه به‌انحای مختلفی فهمیده‌می‌شود، قانونِ خاصِّ پنهانِ سرنوشتِ تاریخی آلمانی‌ها ست و باید روزی ما را برای ساختاربخشی خود آماده و مهیّا بیابد. این تضادّ قاعده‌ای نیست که به‌کمک آن صرفن بتوانیم «فرهنگ» را توصیف کنیم. هولدرلین و نیچه با طرحِ این تضادّ، فراپیش وظیفه‌ی آلمانی‌ها برای فهم ذات‌شان به‌نحوی تاریخی، علامتِ سؤال گذاشتند. آیا ما قادر خواهیم‌بود این نشانه و این علامتِ سؤال را بفهمیم؟ یک چیز معلوم است: اگر ما این نشانه را نفهمیم، تاریخ انتقام خود را از ما خواهدگرفت». نمی‌دانیم این عبارات را در چه سالی نوشتید، امّا حدس می‌زنیم مربوط به سال ۱۹۳۵ باشد.

احتمالن مربوط به درس‌های من درباره‌ی نیچه با عنوانِ «اراده‌ی معطوف به قدرت به‌مثابه‌ی هنر» به سال ۳۷–۱۹۳۶ است. البتّه می‌تواند در سال‌های بعد از آن نیز گفته‌شده‌باشد.

تمایل دارید این مطلب را کمی بیش‌تر توضیح دهید؟ این امر ما را از مسیری عمومی به تقدیر انضمامی آلمانی‌ها خواهدرساند.

می‌توانم عبارات مذکور را به‌این گونه نیز بیان کنم: به این اعتقاد رسیده‌ام که بازگشت تنها از همان جایی که منشأ عالَمِ تکنیکیِ مدرن است، می‌تواند تمهید شود. این بازگشت نمی‌تواند به‌واسطه‌ی گزینشِ ذن بودیسم یا دیگر تجاربِ شرقیِ عالَم محقّق شود. تغییر در تفکّر، به‌کمکِ فرادهشِ اروپایی و تملیکِ مجدّدِ آن نیازمند است. تفکر تنها به‌واسطه‌ی تفکّری که همان منشأ و تقدیر را دارد، تغییرشکل خواهدیافت.

شما فکر می‌کنید که درست از همان جایی که عالَمِ تکنیکی نشأت گرفته‌است،باید...

...به‌معنای هگلی، رفع شود، نه این‌که مغلوب شود، امّا نه از طریقِ فردِ آدمی.

شما وظیفه‌ی خاصّی را به‌ویژه برای آلمانی‌ها معیّن می‌کنید؟

به‌کلامِ هولدرلین،بله.

شما فکر می‌کنید زبان آلمانی ویژگی معیّنی برای این تغییر دارد؟

من به نسبتِ درونیِ خاصّی میانِ زبانِ آلمانی، زبان و تفکّرِ یونانی می‌اندیشم. این امر بارها و بارها توسّطِ فرانسوی‌ها به من ثابت شده‌است. هنگامی که آن‌ها آغاز به تفکر می‌کنند، آلمانی صحبت می‌کنند. آن‌ها اطمینان می‌دهند که با زبانِ خود از عهده‌ی تفکّر برنمی‌آیند.

شما به‌این ترتیب می‌خواهید بگویید که در کشورهای لاتینی، به‌ویژه در فرانسه، چنین تأثیر عمیقی داشته‌اید؟آن‌ها می‌بینند که‌وقتی تلاش می‌کنند با تمامِ عقلانیّتِ خود، عالَمِ امروز را در منشأ ماهوی‌اش بفهمند، از عهده‌ی این کار بَرنمی‌آیند. تفکّر هم‌چون شعر قابل ترجمه نیست. حدّاکثر می‌توان آن را بازنویسی کرد. به‌محضِ آن‌که بکوشیم ترجمه‌ای تحت‌اللفظی به‌دست‌دهیم، همه‌چیز تغییرشکل می‌یابد. تفکر اضطراب‌آوری ست.

خوب می‌بود اگر این اضطراب و ناراحتی را تمامن جدّی می‌گرفتیم و دستِ‌آخر توجّه می‌کردیم که تفکرِ یونانی به‌واسطه‌ی ترجمه به زبانِ رومی–لاتینی دچار تغییری مهمّ شده‌است؛ رویدادی که هنوز هم راهِ ما را به فهمِ تامِّ واژگانِ بنیادینِ تفکرِ یونانی مسدود می‌کند.

جنابِ پروفسور! همواره تمایل به این است که به‌نحو خوش‌بینانه‌ای فرض کنیم که اندیشه می‌تواند منتقل شده و حتّا ترجمه شود؛ چراکه اگر این خوش‌بینی را که محتوای اندیشه، باوجودِ محدودیّت‌های زبانی، قابل انتقال است، کنار بگذاریم، درآن‌صورت، محلّی‌گرایی اندیشه را تهدید خواهدکرد.

شما تفکّرِ یونانی را دربرابرِ سنخِ تصوّراتِ امپراتوریِ رم «محلّی» می‌خوانید؟! نامه‌هایِ تجاری را می‌توان به هر زبانی ترجمه کرد. علوم (امروزه مراد از علوم، علومِ طبیعی و فیزیک و ریاضی به‌عنوانِ علم بنیادین است) به همه‌ی زبان‌های عالَم می‌تواند ترجمه شود؛ به‌بیانی صحیح‌تر، آن‌ها ترجمه نمی‌شوند، بلکه همان زبانِ ریاضی ست که بیان می‌شود. ما در این‌جا با عرصه‌ای برخورد داریم که بعید و سخت است که بتوان به همه‌ی آن پرداخت. شاید این نکته هم به موضوعِ بحث ربط داشته‌باشد: بحرانِ دوره‌ی معاصر بدونِ اغراق نظامِ دموکراسی–پارلمانی ست. مدّت‌ها ست که این بحران را داریم؛ به‌ویژه در آلمان. امّا تنها در آلمان این بحران نیست. این بحران در کشورهای کلاسیکِ دموکراسی، در انگلستان و آمریکا هم وجوددارد. در فرانسه هم چیزی فراتر از بحران وجوددارد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود: آیا متفکران حتّا به‌صورتِ ضمنی هم که شده، نمی‌توانند راه‌نمایی‌هایی ارائه‌دهند مبنی بر این‌که آیا این نظام باید با نظام دیگری تعریف شود؟ و دراین‌صورت، این چه نظامی بایدباشد و یااین‌که اصلاحِ نظام ممکن است؟ دراین‌صورت، پیش‌نهادهایی نیز برای چه‌گونگیِ امکانِ اصلاح مطرح کنند. درغیراین‌صورت شخصی که تحصیلِ فلسفی ندارد–و به‌طورِ معمول، این شخص کسی ست که امور را در دست دارد (اگر نمی‌توانَد آن‌ها را متعیّن سازد) و کسی ست که گرفتار امور است–، این شخص به نتایج نادرست و حتّا شاید هول‌ناک می‌رسد. بنابراین، آیا نباید فیلسوف آماده‌ی این تفکّر باشد که چه‌گونه آدمیان می‌توانند در این عالَم، که خودشان تکنیکی‌اش کرده‌اند و تحت سیطره‌ی آن درآمده‌اند، هم‌زیستی داشته‌باشند؟ آیا به‌راستی نباید از فیلسوف انتظار داشت که درباره‌ی آن‌چه او به‌عنوانِ طرقِ ممکنِ زندگی لحاظ می‌کند، راه‌نمایی کند؟ آیا اگر فیلسوف سخنی دراین‌باره نگوید، قدری –حتّا اگر ناچیز– از حرفه و وظیفه‌ی خود عدول نکرده‌است؟!

تا آن‌جا که من درمی‌یابم، فرد به‌تنهایی از فهمِ عالَم به‌مثابه‌ی یک کل ناتوان است؛ فهمی که برمبنای آن تا آن‌جا پیش برَوَد که بتواند هدایت‌گری‌های عملی بکند؛ به‌خصوص در مواجهه با این وظیفه که بار دیگر بنیادی آغازین برای خودِ تفکّر بیابد. مادام که تفکر خود را بدین‌منظور که باید در مواجهه با این فرادهشِ عظیم برای ارائه‌ی دستورات مهیّا شود، جدّی بگیرد، از عهده‌ی کار برنخواهدآمد. براساس کدام حجّیّت این امر می‌تواند رخ‌دهد؟! در قلمروِ تفکر گزاره‌های امری وجودندارد. تفکّر تنها از جانبِ موضوعی که باید به اندیشه درآید، متعهّد می‌شود. امّا این همان چیزی ست که بیش‌تر از هر امر دیگر شایسته‌ی پرسش است. برای‌این‌که این امور فهم‌پذیر شوند، بحث‌هایی دربابِ نسبتِ میانِ فلسفه و علوم نیاز است؛ علومی که موفّقیّت‌های تکنیکی–عملی‌شان، تفکّر به‌معنای فلسفی را، بیش از پیش غیرضروری می‌نمایانند. وضعیّتِ دشواری که تفکّر، براساس وظیفه‌ی خود، در آن قرارگرفته‌است، منطبق است با نوعی بیگانگی که از وضعیّتِ قدرت‌مندِ علوم نسبت‌به تفکّری که باید از پاسخ‌دادن به پرسش‌های عملی و ایدئولوژیک مبتلابه امروز سر باززند، نشأت می‌گیرد.

جنابِ پروفسور! در حوزه‌ی تفکّر، گزاره‌های امری محلّی از اِعراب ندارند. بنابراین، فی‌الواقع تعجّب‌آور نیست که هنر مدرن برای اظهارِ گزاره‌های دستوری و امری، با زمانه‌ی دشواری مواجه است. باوجودِ این، شما آن را «تخریب‌گر» می‌خوانید. هنرِ مدرن اغلب خود را هنری تجربی می‌داند. آثار هنری کوشش‌هایی هستند...

با خوش‌حالی حاضر ام یادبگیرم.

...کوشش‌هایی هستند که برآمده از حالتِ انزوای آدمیان و هنرمندان و هرازگاهی یکی از آن صد تا کوشش، اصابه به مقصود می‌کند.

پرسشِ مهمّ همین است. هنر در چه ساحتی قیام دارد؟! هنر چه ساحتی را به اشغال درآورده‌است؟!

بسیار خب. امّا شما در این‌جا از هنر امری را مطالبه می‌کنید که دیگر از تفکّر چنین توقّعی را ندارید.

من از هنر توقّعی ندارم. تنها این پرسش را مطرح می‌کنم که هنر چه ساحتی را پر کرده‌است؟!

اگر هنر جای‌گاه خود را نشناسد، آیا بدین‌معنا ست که تخریب‌گر است؟!

بسیار خب، از این مطلب عبور کنیم. به‌هرحال مایل ام بیان کنم که به‌اندیشه‌ی من، هنرِ مدرن راهی را نشان‌نمی‌دهد؛ به‌ویژه این‌که واضح نیست مهم‌ترین خصیصه‌ی خود را چه می‌بیند یا این که دست‌کم معلوم نیست به‌دنبالِ چنین خصیصه‌ای هست یا نه.

هنرمند تعهّدی به فرادهش در خود نمی‌بیند. او ممکن است آن را زیبا ببیند و بگوید «بله.» این شیوه‌ای بود که آدمی می‌توانست ۶۰۰ سال قبل یا ۳۰۰ سال پیش یا حتّا ۳۰ سال پیش نقّاشی کند، امّا او دیگر نمی‌تواند این‌گونه نقّاشی کند. حتّا اگر بخواهد هم، دیگر نمی‌تواند. اگر چنین نباشد، نابغه‌ی جاعل، هانس فن‌میگران که به‌تر از هر کس دیگری می‌توانست نقّاشی کند، بزرگ‌ترین نقّاش بایدباشد. امّا صرفِ خوب‌نقّاشی‌کردن دیگر اثر نمی‌کند. بنابراین، هنرمند، نویسنده و شاعر در وضعی مشابه متفکر قراردارند. چند بار باید بگوییم که «چشم‌های‌تان را بر این ماجرا ببندید».

اگر «صنعت فرهنگ» را هم‌چون چهارچوبی برای رده‌بندیِ هنر، شعر و فلسفه لحاظ کنیم، آن‌گاه این یکسان‌بودن قابل توجیه است. امّا وقتی نه‌تنها این صنعت، بلکه درعین‌حال آن‌چه «فرهنگ» نامیده‌می‌شود، در ساحتِ پرسش قرارگیرد، آن‌گاه تأمّل در همین نکته‌ی «در ساحتِ پرسش بودن»، بازهم در قلمروِ مسؤولیّتِ تفکّر قرارمی‌گیرد و البتّه تعهّدِ تفکّر به‌سختی قابل تصوّر است. امّا بزرگ‌ترین پریشانیِ تفکّر، تا آن‌جا که من می‌فهمم، این است که دیگر متفکری آن‌چنان بزرگ وجودندارد که تفکر را به‌نحوی بی‌واسطه و در هیأتی نو با موضوعِ تفکر مواجه ساخته و از این طریق به راه آورَد. عظمتِ آن‌چه باید به‌اندیشه درآید، امروزه برای ما بس عظیم است. شاید بتوانیم با کوشش زیاد پلی باریک و نه‌چندان طولانی برای عبورِ خود بسازیم.

یادداشت

اولین اقنوم خدا یا روح در خویشتنِ خویش

فاطمه دلاوری پاریزی

خدا در تعالیم مسیحیت به عنوان اجتماع (دارای اقانیم سه گانه) وجود دارد. ایده فی‌نفسه‌لنفسه‌و‌این‌همان‌با خود، اولین اقنوم خداست که به‌عنوان ابژه تفکر مطرح می‌شود. ایده در این مرحله، فروبسته است و به‌روی جهان، گشودگی ندارد چراکه «هنوز به سمت تقسیم آغازین، یعنی به‌سوی دیگری پیش نرفته است. ایده در این موقف، همان پدر است. نخستین عنصر آن، ایده در کلیت ساده خود برای خود است در این حالت خودفروبسته که هنوز هیچ تقسیمی را نپذیرفته و به‌سوی دیگری نرفته است، همان پدر است. اگر بخواهیم جایگاه این روح را در تاریخ بیابیم «این ایده در آغاز یکسره درونی و بی‌کوشش و بی‌بهره از واقعیت و به‌صورت اندیشه و پندار محض و باطن یک قوم است.

خدا در اقنوم اول در آگاهی حضور دارد. اندیشه مقوم وجود خداست. «برای آگاهی اندیشیده یا حسی است که خدا می‌تواند به‌صورت خدا دارای وجود باشد؛ یعنی در ذاتیت لم‌یزلی‌اش در خود و برای خود. نمودش امر دیگری است. خدا در ذاتش متعلق اندیشه و در نمودش متعلق احساس است. خدا از آن‌جا که نوعی مضمون است از این رو اساساً برای اندیشه است.

هگل در ادامه تلاش می‌کند روح را به‌مثابه امری پیش از شکل گیری سوژه و ابژه شرح دهد. هر چند اشاره می‌کند که خدا فعلیت پیشین ندارد و روح پنداری و توخالی در ابتدای راه قرار دارد. در این موقف هنوز گذار به اقنوم بعدی صورت نگرفته است. «روح به روح می‌اندیشد و بدواً امری نیست که آن‌ها را از هم جدا کند. هیچ چیز میان آن‌ها نیست. تفکر وحدت محض خود است که می‌تواند شهود محض خوانده شود. این فعالیت کلاً عام است و هنوز سوژه و ابژه شکل نگرفته‌اند، تفکر در عنوان ساده‌اش همان آگاهی است.او اشاره می‌کند که خدا در نخستین گام، روح است و خصلت انتزاعی دارد. «در وهلهٔ نخست، خدا روح است و در خصلت انتزاعی‌اش به‌مثابه روح عام که خودش را خاص می‌سازد، تعریف می‌شود.این حقیقت مطلق است و مذهب که دارای این مضمون است، مذهب است. در مذهب مسیحی، این آن چیزی است که تثلیث نامیده می‌شود... این همان خداست که خودش را از بقایای همانند با خودش در فرآیند منفک می‌سازد. تثلیث، رازوری خدا نامیده می‌شود؛ مضمونش رازورانه، یعنی نظرورزانه است. ولی آن‌چه برای عقل است هنوز یک سر نیست. آدمی آن را در مذهب مسیحی می‌شناسد و این سر فقط برای فهم متناهی و برای اندیشه است که همانا بر تجربهٔ حسی مبتنی است.خدا به‌مثابه روح، خود را می‌شناسد و به خود آگاه است: «اقتضای ماهیت روح آن است که خود را موضوع خویش گرداند و دریابد. فقط در این حال روح به‌عنوان فراورده و نتیجهٔ کنش خود وجود دارد. خود را دریافتن، یعنی خود را با اندیشه دریافتن و این نه به‌معنای مجرد شناسایی پاره‌ای تعینات تحکمی و محتمل و گذران بلکه به‌معنای درک خود مطلق است.در این فراز، هگل به‌خوبی روح را در اقلیم اول، اقنوم خدای پدر توضیح داده است: «وقتی که روح در اقلیم اندیشهٔ محض به‌عنوان جوهر تصور شده بود، بی‌واسطه و بسیط است، با خود این‌همانی دارد و ذاتی جاودان است اما با این حال معنای انتزاعی‌اش را از ذات در خود ندارد بلکه به‌معنای روح مطلق است. ولی روح فقط در معنا خلاصه نمی‌شود، یعنی فقط در این نیست که نمودار درون باشد، بلکه روح باید برون‌ذات باشد. پس ذات بسیط جاودان اگر در حد تصور و بیان ذات جاودان و بسیط باقی بماند، روح به‌مثابه کلماتی تهی است

معرفی کتاب

نقد و رد نظریه
اصالت وجود صدرایی

کتاب «نقد و رد نظریه اصالت وجود صدرایی» اثر فریال اسکندری در ۱۴۰ صفحه به قیمت ۱۰ هزار تومان از سوی انتشارات ریسمان به چاپ رسید.اندیشمندان فلسفه اسلامی باتکیه بر سابقه درخشان فلسفی و جهان بینی غنی اسلامی می توانند نظریات تازه، پویا و کارآمدی به جامعه انسانی ارائه کنند و سهم مهمی در اعتلای بشریت داشته باشند. یکی از راه های رسیدن به این هدف بزرگ، بررسی نظریات گذشتگان و ارزیابی صحت آنان است. نقد و رد نظریات پیشینیان نه تنها ضربه ای بر فلسفه اسلامی وارد نمی کند بلکه زمینه را برای ارائه نظریاتی جدید فراهم می سازد.اصالت وجود یکی از مسائل اساسی فلسفه صدرایی و نظریه ای رایج در جامعه فلسفی امروز است. اگرچه نمودهای فلسفی و عرفانی این نظریه بسیار جاذب است اما حقیقت آن است که اصالت وجود در اصل خود به اثبات نرسیده است و بنابراین نمی تواند قابل استناد باشد. فریال اسکندری در این کتاب با بررسی دلایل ملاصدرا در دو کتاب اسفار و مشاعر به رد نظریه اصالت وجود پرداخته است.